

# روزنامه ارشاد

◆ یوسف ناصری

روزنامه ارشاد در زمان تحولات مربوط به انقلاب ۱۹۰۵ در بادکوبه (باکو) فرصت انتشار یافت. شعار این روزنامه که زیر لوگوی آن - ارشاد - آمده بود در ۳ کلمه «حریت - مساوت - عدالت» خلاصه می شد.

این روزنامه با مدیریت احمد بیگ آقایف قره باغی در منطقه ای چاپ می شد که مدت ها جزء قلمرو ایران بودند و در نهایت با وقوع دو جنگ بین ایران و روسیه تزاری و با انعقاد قراردادهای گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۷) به طور رسمی از ایران جدا شده و جزء مناطق تحت حاکمیت امپراتوری روس قرار گرفتند. از جمله شاعران و ادیبان ایرانی که در این مناطق متولد شده و زیسته بودند می توان به نظامی گنجوی و خاقانی



شروانی اشاره داشت. در سال ۱۸۲۹ یک سال پس از انعقاد قرارداد ترکمنچای که ایران به طور قاطع شکست دوم خود از روسیه را پذیرفت، روزنامه روسی زبان «تفلیسکی و دو موسکی» چاپ شده در تفلیس، ضمیمه ای به زبان فارسی منتشر کرد. سپس روزنامه هایی به زبان ترکی نیز در منطقه

قفقاز انتشار یافت. اولین روزنامه غیر دولتی و مستقل ترکی زبان قفقاز با نام اکینچی [=کشاورز] در سال ۱۸۷۵ در بادکوبه و با مدیریت حسن‌بیک ملک‌زاده به دست چاپ سپرده شد.

این روزنامه در زمان جنگ روسیه و عثمانی توقیف شد. علت این توقیف به طرفداری این نشریه از رقیب روس یعنی عثمانی اعلام شد. در مطلبی که مسبب تعطیلی و توقیف این نشریه بود شکست کلاغ‌ها از عقاب‌ها به بحث گذاشته شده بود و کارگزاران روسی با این برداشت که منظور گردانندگان روزنامه اکینچی از کلاغ، روس‌ها هستند، این روزنامه را به جرم طرفداری از عثمانی و ابراز خوشحالی از شکست خوردن روسیه، تعطیل کردند.

بعد از توقیف اکینچی، روزنامه‌ای که به زبان ترکی و به سال ۱۸۷۹ در تفلیس منتشر شد جریده ادبی و دینی ضیاء بود که پس از ۱/۵ سال از گذشت انتشار آن، در نهایت با لوگوی ضیاء قفقازیه انتشار آن از سر گرفته شد.

سردبیر و ناشر آن حاجی سعید انسی‌زاده متولد ۱۸۴۵ شماخی بود. وی قاضی شهر شماخی و بعدها عضو اداره روحانی تفلیس شد و در مدارس دینی تحصیل کرده بود و بار و یک‌بار محافظه‌کاری اسلامی، مطالب روزنامه را منتشر می‌کرد و گفته شده که مقالات ترقی خواهانه نیز چاپ کرده است.

نشریه دیگری که در این دوره چاپ شد عنوان کَشکول را بر خود داشت و به همت برادر سعید انسی‌زاده یعنی جلال‌الدین انسی‌زاده (متولد ۱۸۵۴) به مرحله انتشار رسید. وی به زبان‌های فارسی، عربی، روسی و فرانسوی آشنایی داشت. این روزنامه تا سال ۱۸۸۳ چاپ می‌شد و به مسائل ایران نیز توجه داشت.

کَشکول نیز دچار توقیف شد. اماروزنامه فارسی زبان اختر که در استانبول از سال ۱۸۷۶ (انقلاب مشروطه عثمانی) چاپ می‌شد در خبری اعلام کرد که دولت ایران به جلال افندی انسی‌زاده، مدیر روزنامه کَشکول نشان شیر و خورشید مرحمت کرده است.



با اوج گرفتن و ترویج نگرش فکری سوسیالیسم در مناطق قفقاز، وقوع جنگ ژاپن و روسیه و تضعیف امپراتوری روسیه تزاری، این امپراتوری در سال ۱۹۰۵ تحولات اجتماعی و سیاسی عمیقی را تجربه کرد و صاحب پارلمانی با نام دوما شد. از طرفی هم سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز (ایرانی و قفقازی) در قالب گروه کمونیستی همت برای دفاع از کارگران فعال بودند.

اولین روزنامه فارسی زبان در داخل ایران نیز با عنوان کاغذ اخبار و با مدیریت میرزا صالح شیرازی (۱۸۳۸) انتشار یافت و با فرمان صدور گلخانه از سوی خلیفه عثمانی در سال ۱۸۳۹ و پذیرش برابری اتباع این امپراتوری و شروع یک دوره اصلاحات پس از چندی و در زمان خلافت سلطان

محمود عثمانی، نشریه دولتی عثمانی ضمیمه‌ای به زبان فارسی به چاپ می‌رساند و اما روزنامه ترکی زبان «ارشاد» که در سال ۱۲۸۴ منتشر شد.

مطابق اطلاعات موجود اولین شماره این نشریه در روز ۲۱ دی ۱۲۸۴ شمسی (۱۲ ژانویه ۱۹۰۶-۱۶ ذی‌القعدة ۱۳۲۳ قمری) یعنی حدوداً یک سال قبل از پیروزی انقلاب مشروطه ایران (۱۲۸۵ شمسی) انتشار یافت. این روزنامه را احمدبیک آقایی از روزنامه‌نگاران و اصلاح‌طلبان جوان قفقازی به زبان ترکی منتشر می‌کرد و عدالت‌خواهی، آزادی‌خواهی و اصلاح‌طلبی را سرلوحه کار خود قرار داد.

وی ادیب و نویسنده مشهوری از مردم قفقاز بود که مقدمات علوم جدید را در روسیه خواند و سپس عازم پاریس شد و در آنجا تحصیلات خود را ادامه داد.

وی که در خاک امپراتوری روسیه و قفقاز زندگی می‌کرد در مقابله با نگرش روس‌ها، دارای نگرش پان‌ترکیستی شد. در ماه سوم انتشار روزنامه ارشاد، آقایی به طور عملی پذیرفت که روزنامه‌اش دارای ضمیمه‌ای به زبان فارسی باشد. مسوولیت بخش فارسی روزنامه را میرزا محمدصادق امیری، فرزند حاج میرزا حسین و نواده میرزا معصوم (متخلص به محیط) به عهده گرفت.

میرزا محمدصادق در دستگاه امیر نظام گروسی فعالیت داشت و بر این اساس تخلص شاعری امیری را به منظور تقرب هرچه بیشتر به امیر نظام گروسی برای خود برگزید. گروسی بعدها وزیر فواید عامه دولت قاجاری ایران شد.

میرزا محمدصادق بعدها با تخلص شاعری ادیب الممالک مشهور شد.

وی آنچنان که خودش بعدها گفته در روز پنج‌شنبه ۱۴ محرم ۱۲۷۷ هجری قمری (۱۲۳۷ شمسی) در قریه گارزان از توابع اراک امروزی به دنیا آمد. تولد وی در چهاردهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه بوده است.

در سال ۱۲۹۱، پدرش وفات یافت. وی سپس در تهران به دستگاه شاهزاده طهماسب میرزا مویدالدوله راه یافت و با امیر نظام گروسی وزیر فواید عامه آشنایی پیدا کرد.

این آشنایی موجب شد که میرزا محمدصادق، تخلص شاعری خود را از «پروانه» به «امیری» تغییر دهد.

میرزا محمدصادق در سال ۱۳۰۹ قمری همراه با گروسی، به ایالت کرمانشاه رفت و تا سال ۱۳۱۳ هجری قمری با او و در دستگاه ایالتی کرمانشاه اقامت داشت. در اواخر آن سال، میرزا صادق به تهران مراجعت کرد. وی در سال ۱۳۱۶ معاون و نایب‌رئیس مدرسه لقمانیه تبریز شد.

میرزا محمدصادق، در اوایل سال ۱۳۱۸ هجری قمری به قفقاز و از آنجا به خوارزم رفت و

چندی نزد محمدخان - خان خیره - به سر برد. از آنجا به مشهد آمد و تا سال ۱۳۲۰ قمری در مشهد زیست و در اواخر آن سال یا اوایل سال بعد به تهران آمد. در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ هجری قمری نویسنده مهم و درجه اول روزنامه ایران سلطانی بود؛ در سال ۱۳۲۳ هجری قمری سفری کوتاه به باکو کرد و در آنجا با روزنامه ارشاد ترکی همکاری داشت و ورقه ضمیمه آن را به فارسی انتشار می‌داد.

در شعبان سال ۱۳۲۴ هجری قمری که مجلس شورای ملی گشایش یافت، در تهران بود و سردبیری روزنامه مجلس را که میرزا محمدصادق طباطبایی تاسیس کرده بود برعهده داشت. در سال ۱۳۲۷ ه. ق. جزء مجاهدان فاتح مسلمان وارد تهران شد و چندی بعد به خدمت وزارت عدلیه درآمد و حملات او به ادارات و روسای عدلیه از همین تاریخ شروع شد. امیری در سال ۱۳۳۵ که مامور عدلیه یزد بود سکتہ کرد و به تهران آمد و روز چهارشنبه ۲۸ ربیع‌الثانی آن سال در ۵۸ سالگی در تهران درگذشت.

او در انواع شعر به جز غزل و مخصوصاً در قصیده‌سازی بسیار توانا بود. در شیوه سخن‌سرایی پیرو استادان قدیم و در دوره تجدید حیات ادبی هم‌تراز قاتنی و سروش است. او هم مانند اسلاف خود شعر و شاعری را از مداحی آغاز کرد و به قصد صله پاداش و تأمین وسایل زندگی قصاید تملق‌آمیز و بلندبالا در وصف امرا و ارکان زمان خود سروده است. او حتی بعد از انقلاب مشروطیت و اعلان آزادی هم که به کشمکش‌های سیاسی و مطبوعاتی افتاد صفت اصلی شعر خود را که همان قصیده‌سرایی است از دست نداد. او در علوم ادب لغت فارسی و عربی استاد بود و حافظه‌ای قوی داشت که این حافظه به وی قدرت آن را می‌داد تا در اشعار خود از تمام علوم و محفوظات استفاده کند.

در علم حکمت، ریاضی، نجوم، رمل، اسطرلاب و کف‌بینی نیز بیشتر از آنچه یک شاعر بایستی مطلع باشد، آگاهی داشت؛ از زبان روسی، کلدانی، ترکی و پهلوی آگاه بود و نیز قدری فرانسه و انگلیسی می‌دانست.

زندگی ادبی ادیب‌الممالک را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد؛ نخست از آغاز شاعری تا سال‌های پیش از جنبش مشروطیت و دیگر از سال‌های نزدیک به اوج‌گیری نهضت مشروطه تا پایان عمر. همکاری آقاییف با ادیب‌الممالک به ۱۳ شماره ضمیمه فارسی ارشاد محدود شد. آخرین ضمیمه فارسی روزنامه ترکی زبان ارشاد در روز ۲ اردیبهشت ۱۲۸۵ شمسی (۲۷ صفر ۱۳۲۴ قمری / ۲۲ آوریل ۱۹۰۶) منتشر شد.



یکی از اقدامات شهرت‌یافته آقاییف، دفاع او از طالبوف، روشنفکر ایرانی تبار بود که تکفیر شده

بود. بر اثر همین تکفیر بود که بعد از انقلاب مشروطه در ایران (در سال ۱۲۸۵ شمسی) طالبوف در آمدن به ایران به عنوان نماینده منتخب مردم در مجلس تردید نشان داد و عطای نمایندگی در مجلس اول شورای ملی ایران را به لقایش بخشید.

طالبوف در داغستان روسیه به امر تجارت مشغول بود و ۷ چاپخانه در شهرهای مختلف و ۴ کارگاه آجرپزی در تیمور خانسورا داشت. با این حال گفته شده که او بخش اعظم درآمد خود را صرف امور عام المنفعه و خیرخواهانه می کرد.

میرزا عبدالرحیم طالبوف در سال ۱۸۳۴ در محله سرخاب تبریز در یک خانواده مذهبی متولد شد. نام پدرش ابوطالب بود. برخی محققان بر آنند که سال تولد او در ۱۸۵۵ م (۱۲۷۱ ق) یا ۱۲۷۲ قمری است.

البته مطابق گفته فریدون بیگ کوچرلی نویسنده معروف جمهوری آذربایجان در کتاب «آذربایجان ادبیاتی تاریخی ماتریال لاری» سال تولد طالبوف ۱۸۵۵ است. کوچرلی می نویسد:

این فقیر دو سال قبل از آن جناب، پاره ای معلومات را درباره سیر و سلوک شان خواسته بود و او عنایت بزرگی نموده شرح حال خود را با چند اثرش برای ما فرستاده بود و خواسته بود تا آن گونه در مجله بنویسیم که ایشان تحریر کرده بودند. ما نیز به فرمایش آنجناب عمل نموده، نوشته ایشان را نقل می کنیم: «نامم عبدالرحیم، پدرم ابوطالب نجار، محل زانم تبریز ۱۸۵۵ میلادی، مسکن لایفک، تیمور خانسورا مرکز داغستان، پیشه ام تجارت».

با مرگ طالبوف در سال ۱۹۱۱ میلادی، مصطفی بیگ علی بیگوف نویسنده روزنامه (مجله) ارشاد نوشت: «اهالی مسلمان داغستان و تیمور خانسورا یتیم و بی یاور شدند». طالبوف در سال ۱۸۸۹ به استانبول، در سال ۱۸۹۶ به مکه و در سال ۱۹۰۱ به برلین آلمان سفر کرده بود.

این نوع احترام گذاشتن به روشنفکری ایرانی تبار که از تبریز به مناطق شمالی قفقاز مهاجرت کرده بود و عمده آثارش را به زبان فارسی نوشت نشان از تداوم نفوذ زبان فارسی در آن سامان دارد.



آشنایی و همکاری میرزا محمد صادق ادیب الممالک با احمدبیک آقایف هم، به سرعت تعمیق شد و ادیب الممالک در جمادی الاول ۱۳۲۳ هجری قمری، شعری برای آقایف سرود و تقدیم وی کرده به این صورت:

یکی جریده ز باکو پدید گشته به طبع  
بلند چون فلک و تابناک همچو قمر

جریده، نی که هزاران خزینه گوهر ناب  
صحیفه، نی که هزاران سفینه لؤلؤی تر  
هزار سحر کند از بیان شورانگیز  
هزار معجزه آرد ز نطق جان پرور



مطابق باور محمد صدرهاشمی (صفحه ۱۱۵) در کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران، میرزا محمد صادق ادیب الممالک در شوال سال ۱۳۲۳ هجری قمری راه بادکوبه (باکو) را در پیش گرفت و تا شعبان ۱۳۲۴ قمری در این شهر و به منظور تهیه ضمیمه فارسی زبان نشریه ارشاد اقامت داشت.

ضمیمه مذکور حاوی مقالاتی در حوزه‌های اجتماعی و ادبی است. این نکته را ناصرالدین پروین در کتاب تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان (ج ۲ - صفحه ۴۵۶) گفته است: ضمیمه [فارسی ارشاد] دارای خبر و مقاله‌های روشنگر اجتماعی و مطالب ادبی است. فعالیت‌های ادبی و شاعرانه آن در تقویت بخش ادبی ضمیمه فارسی روزنامه ارشاد نقش داشته است. خبر انتشار روزنامه ارشاد و انتشار ضمیمه فارسی آن در روزنامه «ادب» تهران به این صورت انتشار یافته است:

چهار هفته است روزنامه مشکین ختامه عنبرین شمامه مسمی به (ارشاد) از بادکوبه به طور یومیه [روزانه] به اداره رسیده است و اگرچه این روزنامه غرابه زبان ترکی بسیار فصیح است ولی در هر هفته [در هر شماره که در یک هفته انتشار می‌شد] یک ورق [= صفحه] فارسی هم ضمیمه دارد و تمام اوراق معانی نطق مشتمل است بر سعی فوق‌العاده در اتحاد مادی و صوری و معنوی مسلمانان و ارتباط هیئت جامعه اسلام و همین قدر به طور اختصار می‌نویسم که در ذیل کلمه ارشاد که اسم روزنامه است این سه کلمه نوشته شده است: حریت مساوات عدالت. [باقی مندرجات آن روزنامه شریفه از همین عنوان معلوم است] اشاره به تفکر سوسیالیستی و آزادیخواهانه روزنامه مذکور دارد] و مدیر معالی سمیرش یکی از افاضل [= فضلاء] عصر و دانشمندان دهر [جهان] است و ما محضر استحضار [اطلاع] مشتریان کن عظام عین اعلانی [آگهی] را که از اداره مبارکه ارشاد فرستاده‌اند ذیلاً مندرج می‌نمایم. . . .  
اعلان:

در بادکوبه غزته [= گازت / روزنامه] یومیه لمی ادبی علمی اقتصادی و سیاسی ارشاد که مدیرش احمدبیک آقایوف است نشر می‌شود مسلک غزته [گازت] سعی در اتحاد و ترقی روحانی و مادی مسلمانان است و تقویت بر اسلام. [هر کسی میل آبنونه [= اشتراک] غزته داشته باشد به بادکوبه

اداره غزته ارشاد رجوع نمایند. قیمت آبیونه سالیانه هفت منات و ششماهه چهار منات».



همچنین روزنامه ادب چاپ تهران، شعری از ادیب الممالک را با این معرفی، به چاپ رسانده است:

«قصیده وطنیه از اثر خامه [قلم] جناب ادیب الممالک از آن جمله است:

ای خزیده در این سرای کهن  
وی دمیده چو گل درون چمن  
نکته‌ای گویمت که گر شنوی  
شادمانی به جان و زنده به تن  
آدمی را چو هست مهر به دل  
نبود کم شعار از اهریمن  
مهر و ناموس و زندگانی و دین  
شرف و خاندان و مال و وطن  
و ثنا بهتر است از آنکه به صدق  
نپرستد تو را پسان شهن  
ای برادر به تاب از آتش ما  
آن دمی را که سخت تر از آهن  
گریه کن بر وطن که گریه تر  
چشم دل را کند همی روشن

از ورقه فارسی روزنامه ارشاد منطبعه بادکوبه که آقای ادیب الممالک می نویسد نقل شده».

در حال حاضر کپی شماره‌های ۶، ۷، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این روزنامه در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. کپی یک نسخه از روزنامه ارشاد نیز در موسسه مطالعات تاریخ ایران وجود دارد.

هر شماره ضمیمه فارسی ۲ صفحه‌ای است.

شماره ۶ آن در روز جمعه ۲۹ ذیحجه ۱۳۲۳ قمری چاپ شده است. عناوین مطالب این شماره عبارتند از:

انجمن خیریه و مدرسه ایرانیان در بادکوبه،

ترانه مرغ سحر و سر و ش هاتف غیبی،

سیر ملکه بحار و ایجاد کمپانی غیرت و

مکتوب انزلی

شماره ۷ این روزنامه نیز در روز جمعه ۵ محرم سال ۱۳۲۴ هجری قمری انتشار یافت. عناوین این شماره شامل موارد زیر است:

اخبار تلگرافی،

صورت دستخط همایونی در ترتیب مجلس عدالتخانه، سیر ملکه بحار و ایجاد کمپانی غیرت و مکتوب پاریس

شماره ۱۱ روزنامه در روز دوشنبه ۳۰ محرم سال ۱۳۲۴ به دست چاپ سپرده شد با عناوین زیر:

اخبار تلگرافی،

ای گروه مسلمین شادی کنید (نوشته ادیب الممالک)، تعلیقه حضرت حجت الاسلام آقامیرزا سید محمد مجتهد طباطبایی دام‌ظله از طهران،

سیر ملکه بحار و ایجاد کمپانی غیرت و

قصیده‌ای از ادیب الممالک

شماره ۱۲ این نشریه در روز جمعه ۴ صفر سال ۱۳۲۴ قمری و با عناوین زیر منتشر شد:

اخبار تلگرافی،

سیر ملکه بحار و ایجاد کمپانی غیرت،

مکتوب از قافقاز به قلم غ. ط با عنوان مکتوب «مدیر باتدبیر و محترم روزنامه ارشاد»، سپس

امضای ادیب الممالک در تایید آن چاپ شده است.

شماره ۱۳ روزنامه منتشر شده در روز یکشنبه ۲۷ صفر ۱۳۲۴ قمری و با عناوین زیر انتشار

یافت:

مصاحبه،

مکتوب از طهران،

مکتوب از خراسان،



نشانی نشریه ارشاد به صورت زیر در هر شماره روزنامه چاپ شده است:

بادکوبه کوچه غوبر نسقی خانه‌دا

شماره ۴۳ روزنامه ارشاد نیز در روز سه‌شنبه ۱۱ صفر سال ۱۳۲۵ برابر با ۱۳ مارس ۱۹۰۷

انتشار یافت در زیر لوگوی «ارشاد» شعار حریت، مساوات و عدالت آمده است.

قیمت‌های اشتراک روزنامه در باکو، اطراف باکو، قفقاز و کشورهای خارجی (خارج از روسیه)



به صورت جدول زیر در سمت راست لوگوی ارشاد آمده است :

بر آیلق		اوج آیلق		آلتی آیلق		ایلدک		آبونه قیمتی
ق	م	ن	م	ق	م	قپک	منات روبله	
	۱	۵۰	۲		۴	۵۰	۷	بادکوبه (شهر)
۵۰	۱		۳	۵۰	۴		۸	اطراف باکو
	۲		۴		۵		۹	قفقاز و روسیه
	۳		۶		۸		۱۴	ولایت خارجی (ممالک اجنبیه)
اولمجبی صفحه ده ۱۰ قپک آخر مجبی ده ۵ قپک اولمجبی صفحه ده ۲۰ قپک ۴ مجبی صفحه ده ۱۰ قپک								اعلان قیمتی؛

در سمت چپ لوگوی خطاطی شده نام روزنامه . . . ارشاد . . . شماره تلفن اداره روزنامه به صورت عدد ۸۹۴ چاپ شده و سپس قیمت یک شماره نشریه آمده :  
یک نسخه سی ۵ قپک در



در بخش پایین تر لوگو و شعار روزنامه تاکید شده که روزنامه ارشاد دارای خطوط کلی در حوزه های سیاسی ، ادبی ، علمی ، اقتصادی و اجتماعی است .



در صفحه اول از کل ۴ صفحه این شماره که کپی آن در موسسه مطالعات تاریخ معاصر وجود دارد و در میان مطالب منتشر شده به زبان ترکی ، آگهی مربوط به انتشار روزنامه فارسی زبان حقایق در داخل یک کادر و با زبان فارسی (و نه ترکی) تبلیغ شده است بدینصورت ؛

مجموعه ماهیانه مصور فارسی

حقایق

از طبع خارج شده منتشر گردیده است

در اداره مطبعه «کاسپی» و کتاب

فروش های مسلمانان به فروش می رسد

عنوان اداره : صندوق مخصوص پستی نمره ۱۹۶

در صفحه آخر و در داخل یک کادر ، آگاهی یک پزشک - حسن بک آقایوف - به صورت زیر آمده است :

دوکتور

حسن بک آقایوف

ناخوشلاری فیول ایدیور

هرگون

سحر ساعت ۸ دن ۹ دک

آخشام ساعت ۵ دن ۷ دک



همچنین در صفحه آخر - ۴ - اسم مدیر و ناشر روزنامه ارشاد به این صورت درج شده است ؛

مدیر و صاحب امتیاز

احمد بک آقایوف

ناشر عیسی بک عاشور بیگوف



در شماره های روزنامه ارشاد معمولاً عنوان آقایوف و در برخی موارد عنوان «خیر خواه اسلام» انتشار یافته است .



در عین حال ادیب الممالک باروزنامه های دیگری نیز همکاری قلمی داشته است . از وی در ماه جمادی الاولی یک قطعه شعر و مقاله سیاسی در روزنامه «حیات» بادکوبه (باکو) به چاپ رسیده است .



نشریه ارشاد در نهایت به علت چاپ کردن مطلبی با عنوان «فلانکس» توقیف شد .